

طبقه بندی: فصلنامه حکومت اسلامی شماره ۷۶،

عنوان: مبانی فقهی سیاست‌های جمعیتی جمهوری اسلامی ایران «با تأکید بر اندیشه های مقام معظم رهبری»
مؤلف: محسن ملک افزلی اردکانی و سیدمحمدعلی هاشمی



مبانی فقهی سیاست‌های جمعیتی جمهوری اسلامی ایران

«با تأکید بر اندیشه های مقام معظم رهبری»

دریافت: ۹۴/۴/۲۰

تأیید: ۹۴/۸/۱۰

محسن ملک افزلی اردکانی* و سیدمحمدعلی هاشمی**

چکیده

در حکومت جمهوری اسلامی ایران، دغدغه در چارچوب شرع بودن سیاستگذاری های جمعیتی وجود داشته و دارد. بازخوانی سیاست‌های جمعیتی جمهوری اسلامی ایران، مؤید این مهم است که این سیاست‌ها سه دوره متفاوت را پشت سر گذاشته‌اند. نظر به برجستگی بعد کمی در ساختار سیاست‌های جمعیتی جمهوری اسلامی ایران و توجه به این واقعیت که بیشتر مناقشات و دغدغه های مطرح شده در باب این سیاست‌ها در بعد کمی و به ویژه جنبه کنترلی و تحدید نسل بوده است، در این مقاله به مبانی و مستندات این جنبه از سیاست‌های جمعیتی جمهوری اسلامی پرداخته شده است. بررسی مبانی و مستندات شرعی مرتبط با مقوله جمعیت و سیاست های جمعیتی، مؤید این مهم است که سیاست‌های جمعیتی در بعد کمی؛ چه با رویکرد کنترلی و چه با رویکرد از دیاد موالید، نه تنها محذوری شرعی در پی نداشته، بلکه از جهاتی دارای مبانی و مستندات مورد پذیرش شرع است؛ چنانچه متغیر بودن این سیاست‌ها در ادوار مختلف با توجه به شناور بودن و چندساحتی بودن موضوع، محذوری در پی نداشته و ندارد. مسأله ای که همسو با اندیشه های فقهی مقام رهبری، دغدغه ها، منویات و سیاست های کلان ابلاغی از جانب ایشان است. تأکید بر توجه به یافته‌های کارشناسی در سیاستگذاری های جمعیتی نیز از جمله دغدغه‌های این پژوهش است.

متن:

واژگان کلیدی

سیاست‌های جمعیتی، کنترل جمعیت، تنظیم خانواده، اسلام و جمعیت، سیاست‌های جمعیتی جمهوری اسلامی ایران

* دانش آموخته حوزه علمیه قم و دانشیار جامعه المصطفی ۹ العالمیه.

** دانشجوی دکتری فقه و حقوق دانشگاه قم، پژوهشگر پژوهشگاه بین المللی جامعه المصطفی ۹

مقدمه

در حکومت جمهوری اسلامی ایران که فقه، تئوری اداره انسان و جامعه است، دغدغه در چارچوب شرع بودن سیاست‌ها و سیاستگذاری‌ها وجود داشته و دارد. بنا بر اصل چهارم قانون اساسی، کلیه قوانین و مقررات مدنی، جزائی، مالی، اقتصادی، اداری، فرهنگی، نظامی و سیاسی جمهوری اسلامی ایران باید بر اساس موازین اسلامی باشد. از جمله قوانین و سیاستگذاری‌های حاکمیت جمهوری اسلامی که بایسته است در چارچوب شرع و موازین اسلامی باشد، سیاستگذاری‌ها و قوانین مربوط به جمعیت یا همان سیاست‌های جمعیتی است.

سیاست‌های جمعیتی [i] مجموعه‌ای از اندیشه‌ها و تصمیمات مدون جمعیتی است که در راه منطقی کردن و هماهنگ ساختن ارکان و نهادهای اجتماعی و اقتصادی و مقررات و نظامات آنها اتخاذ می‌گردد. هدف این تصمیمات، رفاه و بهروزی گروه‌های مختلف جمعیتی و حل مسائل جمعیتی است (امانی، ۱۳۷۹، ص ۶۵). این سیاست‌ها در دو ساحت کمی و کیفی اعمال می‌شود. در ساحت کمی بر افزایش یا کاهش جمعیت توجه می‌شود؛ در حالی که تندرستی جمعیت‌ها و نظارت بر امر ازدواج از جمله اهدافی است که در ساحت کیفی مد نظر قرار می‌گیرد (معزی، ۱۳۷۱، ص ۱۱۵). در زبان فارسی، همسو با اهداف سیاست‌های جمعیتی در بعد کمی و کیفی، واژگانی؛ مانند «کنترل مولید»، «تنظیم خانواده»، «کنترل جمعیت»، «پیش‌گیری از حاملگی» و ... متداول است و در زبان عربی، از واژه‌هایی؛ نظیر: «تنظیم النسل»، «تحدید النسل»، «منع الحمل»، «تنظیم الأسرة»، «تخطیط الأسرة» و ... استفاده می‌شود. این اصطلاحات؛ اگرچه همسو هستند، ولی تا حدودی با هم تفاوت دارند؛ چنانکه تنظیم خانواده نوعی سیاست جمعیتی و مجموعه تدابیر و برنامه‌ریزی‌هایی است که خانواده‌ها بتوانند تعداد فرزندان را که مایلند به صورت ارادی بیاورند، ولی کنترل جمعیت، نوعی سیاست جمعیتی است که هدف عمده‌اش، تقلیل و کاهش جمعیت با در نظر گرفتن اوضاع و امکانات طبیعی، اقتصادی و اجتماعی جامعه می‌باشد (جهان‌فر، ۱۳۷۶، ص ۲۰۳). بر این

[i]. population Policy.

اساس، سیاست تنظیم خانواده همیشه با تحدید مولید یا کنترل جمعیت منطبق نیست؛ چرا که ممکن است جهت مثبت (افزایش اولاد در برخی از خانواده‌ها) یا منفی (کاهش اولاد در برخی دیگر از آنها) داشته باشد و طی آن برنامه‌هایی برای حفظ سلامت کودکان و ایجاد تسهیلات برای خانواده‌ها تنظیم

و اجراء شوند (بهنام، ۱۳۴۸، ص ۳۲۶). مفهوم شناسی دو گزاره تنظیم خانواده و کنترل جمعیت در کنار توجه به معانی لغوی واژگانی؛ نظیر «تنظیم»، «منع»، «کنترل» و «تحدید»، مبین دیگر گزاره های همسو و شباهت ها و تفاوت های آنان می باشد. برای مثال، «تنظیم» در لغت به معنای ترتیب و آراستگی، انتظام و ترتیب دادن است (دهخدا، ۱۳۴۴، ذیل واژه تنظیم) و بر این اساس، به سامان دادن و تربیت فرزندان طبق قاعده یا قانونی منسجم و برنامه ریزی شده، تنظیم نسل گویند (صادقی، ۱۳۸۳، ش ۳۶، ص ۵۰)؛ چنانچه تحدید نیز از ماده «حد» به معنای فصل، جدایی، منع میان دو شیء و نیز به معنای دفع و منع می باشد (ابن منظور، ۱۴۱۴ ق، ج ۳، ص ۱۴۰؛ مصطفوی، ۱۴۰۲ ق، ج ۲، ص ۱۷۸). بنابراین، به منع یا متوقف نمودن رشد کمی نسل، «تحدید نسل» گفته می شود. در این میان رویکردهای متفاوت سیاست های جمعیتی جمهوری اسلامی ایران در ادوار مختلف؛ به ویژه تغییر و تفاوت سیاست های اعمالی و اعلانی در بعد کمی، لزوم تبیین و تحلیل این سیاست ها و مبانی و مستندات فقهی آن را دو چندان کرده است. بر این اساس، پس از اشاره به پیشینه اعمال سیاست های جمعیتی و تحلیل سیاست های جمعیتی جمهوری اسلامی ایران در ادوار مختلف، به بررسی و تبیین مبانی و مستندات فقهی این سیاست ها در بعد کمی می پردازیم؛ چنانچه در زمینه تبیین سیاست های جمعیتی جمهوری اسلامی به بازخوانی اندیشه های مقام معظم رهبری (دام ظلّه الوارف) در این زمینه پرداخته و بر آن تأکید می شود.

بررسی پیشینه و تاریخچه اعمال سیاست های جمعیتی

امروزه سیاست های جمعیتی، جایگاه ویژه ای در منظومه سیاست های کلی و کلان هر جامعه دارد. به طور مشخص، مفهوم سیاست های جمعیتی و مفاهیم مرتبط و همسو



با آن در قرن بیستم و بیشتر در ارتباط با کشورهای در حال توسعه شکل گرفته است؛ چرا که اعتقاد بر این بوده است که نیل به توسعه به مفهوم عام آن، بدون سیاست های جمعیتی مشخص ناممکن است (شیخی، ۱۳۷۹، ص ۱۵۰). البته برخی از گزارش های تاریخی و تحلیل عقلی، مؤید این مهم است که پیش از این تاریخ نیز این موضوع در جوامع بشری به شیوه های گوناگونی مطرح بوده و از اندیشمندان به عنوان دغدغه فکری به آن پرداخته اند؛ چنانچه «افلاطون» عقیده داشت که شمار مردم، نه آنقدر اندک باشد که استقلال سیاسی و اقتصادی جامعه را به خطر اندازد و نه آن اندازه زیاد باشد که اصول حکومت دموکراتیک کشور را متزلزل کند (تقوی، ۱۳۷۷، ص ۱۲). «ارسطو» تأکید می کرد که باید قانونی جهت پیش گیری از پیدایش کودکان ناقص الخلقه وضع کرد. باید در کشورها نظام اجتماعی مقتضی پیش گیری از افزایش جمعیت مقرر کرد و راه و رسم صحیح، آن است که برای هر خانواده ای حدی مقرر گردد (ارسطو، ۱۳۸۱، ص ۲۲۴-۲۲۲).

برخی از گزاره های قرآنی، مؤید این مهم است که اعراب جاهلی نیز به دلیل ترس از فقر و تنگدستی، فرزندان خود را می کشتند: «وَلَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ حَسْبَةَ إِمْلَاقٍ نَحْنُ نَرُزِقُهُمْ وَإِيَّاكُمْ إِنَّ قَتْلَهُمْ كَانَ خِطْئًا كَبِيرًا» (اسراء (۱۷): ۳۱ [۱]). (در کنار این گزارش های تاریخی و دغدغه های فکری، شاید بتوان اندیشه ها و نظرات «توماس رابرت مالتوس» را به عنوان اولین سنگ بنا و بنیان نظری مفهوم سیاست های جمعیتی بر شمرد؛ توضیح آنکه وی همزمان با انقلاب صنعتی و بر اساس آمار و توجه به رابطه غذا و جمعیت معتقد بود که باید رشد جمعیت مهار شود، وگرنه گرسنگی و انفجار جمعیت، جهان را تهدید می کند (بهنام، ۱۳۴۸، ص ۳۲۵-۳۲۴). البته سیاست های جمعیتی در مفهوم

مالتوسی منحصر به سیاست‌های کنترلی است و گستره عامی ندارد.

جهان اسلام و مسأله سیاست‌های جمعیتی

پیدایش مفهوم سیاست‌های جمعیتی در جهان اسلام، مختص به دوران معاصر بوده است؛ هر چند به دلیل توسعه نیافتگی این کشورها این مفهوم، اغلب به کنترل جمعیت تقلیل

[1] و فرزندانان را از ترس فقر نکشید! ما آنها و شما را روزی می دهیم، مسلماً کشتن آنها گناه بزرگی است.»!



داده شده و یا این ساحت از سیاست‌های جمعیتی در این کشورها برجسته بوده است.

در کنار این مسأله و صرف نظر از سیاست‌های اعلانی و اعمالی دولت‌های جهان اسلام در زمینه سیاست‌های جمعیتی، مباحث نظری این مسأله وارد فضای فکری جهان اسلام شده و اندیشمندان جهان اسلام به آن پرداخته اند؛ هر چند به نظر می رسد که بیشتر به جنبه کمی این سیاست‌ها پرداخته شده است؛ رویکردی که می تواند مبتنی بر دلایلی از جمله سیاست‌های اعمالی حاکمان و حاکمیت، تقابل بین فضای فکری این کشورها و جریان حاکم و بدبینی متقابل حاکمیت و اندیشمندان مذهبی باشد. بر این اساس و در این فضا دو اندیشه و انگاره کلی بروز کرد. برخی به موافقت با سیاست‌های جمعیتی، حتی در بعد کنترلی آن پرداخته (جعفری، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۲۴۷؛ حسینی بهشتی، ۱۳۷۹، ص ۳۲-۳۱) و عده ای نیز آن را سیاستی استعماری و صهیونیستی بر ضد مسلمانان دانسته اند (البوطی، ۱۴۰۸، ص ۱۵؛ حسینی تهرانی، ۱۴۱۵، ص ۱۰۸؛ مطهری، ۱۳۴۷، ص ۸۴-۷۸).

سیاست‌های جمعیتی در ایران

سیاست‌های جمعیتی در دوران پیش از انقلاب اسلامی

اگر چه به طور مشخص، دولت ایران در سال ۱۳۴۱ و در برنامه عمرانی سوم، به مسأله جمعیت اشاره نمود و سیاست‌های جمعیتی را مورد توجه قرار داد، ولی قبل از آن با تأسیس اداره بهداشت مادر و کودک در وزارت بهداشتی در سال ۱۳۳۴، به اعمال سیاست‌های جمعیتی اقدام کرده بود (متین و دونلو، ۱۳۸۳، ص ۷۲). در ادامه این تحولات در سال ۱۳۴۶ واحد «بهداشت و تنظیم خانواده» که بعدها به «جمعیت و تنظیم خانواده» تغییر نام یافت، در وزارت بهداشتی مستقر شد. از همین سال، دولت رسماً برنامه جمعیت و تنظیم خانواده را اعلام نمود (امانی، ۱۳۵۵، ص ۷۴-۵۶ و ۱۲۷). تشکیل «انستیتو تحقیقات بیولوژی تولید مثل»، در سال ۱۳۵۱ با هدف مطالعه و تحقیقات در زمینه ژنتیک، بیولوژی و فیزیولوژی تولید مثل انسانی و بررسی اثرات و عوارض روش‌های مختلف پیشگیری از بارداری از جمله اقدامات انجام شده در راستای

سیاست‌های جمعیتی در این دوره است (متین و دونلو، ۱۳۸۳، ص ۷۲). شایان توجه است که سیاست‌های جمعیتی این دوره در بین اقلشار مذهبی و به طور مشخص، عالمان دینی به دلیل تقابل و وجود سوء ظن نسبت به کلیه اقدامات حاکمیت و نهادهای حکومتی، جایگاه قابل قبولی نداشت.

سیاست‌های جمعیتی جمهوری اسلامی ایران

با پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ تغییرات و تحولات گسترده‌ای در ساختارها و برنامه‌های سیاسی، فرهنگی و اقتصادی کشور روی داد. در سایه همین تحولات، مدتی برنامه‌های تنظیم خانواده چندان مورد توجه نبود؛ مسأله‌ای که باعث رشد سریع مولید و افزایش جمعیت در این دوره شد (کلانتری، ۱۳۷۸، ص ۱۳). شاید شرایط دوران جنگ نیز تا حدودی در این قضیه بی تأثیر نبوده باشد. تحلیل داده‌های آماری سرشماری سال ۱۳۶۵ نشان دهنده رشد شتابان و ۳/۲٪ جمعیت کشور و زنگ خطری شد برای مسؤولان کشور. توجه به مشکلات ناشی از این رشد جمعیتی باعث شکل گیری برنامه تنظیم خانواده در سال ۱۳۶۸ شد. بر این اساس، دولت سیاست‌های جمعیتی خود که تنها جنبه تحدید مولید داشت را به اجراء گذاشت (متین و دونلو، ۱۳۸۳، ص ۷۴). در همین راستا و در سایه گسترش سیاست‌های جمعیتی تک بعدی که تنها به کنترل مولید توجه داشت، در تاریخ ۲۶ اردیبهشت ۱۳۷۲ «قانون تنظیم خانواده» مشتمل بر چهار ماده و دو تبصره در مجلس شورای اسلامی تصویب شد و در تاریخ دوم خرداد ۱۳۷۲ به تأیید شورای نگهبان رسید. در این قانون؛ اگر چه در مواد دو و سه تا حدودی به فرهنگ سازی توجه شده بود، ولی رویکرد اجبار در آن غالب بود. در ماده یک، تأکید شده بود: «کلیه امتیازاتی که در قوانین، بر اساس تعداد فرزندان یا عائله پیش بینی و وضع شده اند در مورد فرزندان چهارم و بعد که پس از یکسال از تصویب این قانون متولد می شوند، قابل محاسبه و اعمال نخواهد بود و فرزندی که تا تاریخ مزبور متولد می شوند، کماکان از امتیازات مقرر شده برخوردار می‌باشند». تبصره یک همین ماده در زمینه نحوه استفاده از امتیازات پیش بینی شده در قانون کار، مصوب

۱۳۶۹/۸/۲۹ مجمع تشخیص مصلحت نظام و قانون تأمین اجتماعی، مصوب ۱۳۵۴، به خوبی نشان دهنده غالب شدن اجبار بر رویکردهای فرهنگی در این قانون در زمینه عملی کردن سیاست‌های تک بعدی جمعیت است [۱]. این قانون و قوانین و آیین نامه‌های همسو با آن به موجب «قانون اصلاح قوانین تنظیم جمعیت و خانواده»، مورخ بیستم خردادماه یک هزار و سیصد و نود و دو مجلس شورای اسلامی که در تاریخ ۱۳۹۲/۳/۲۹ به تأیید شورای نگهبان نیز رسید، برداشته شد. این ماده واحده تأکید می‌کرد که از تاریخ لازم‌الاجراء شدن این قانون، کلیه محدودیت‌های مقرر در قانون تنظیم خانواده و جمعیت، مصوب ۱۳۷۲/۲/۲۶ و اصلاحات آن و سایر قوانین که بر اساس تعداد فرزندان برای والدین شاغل یا فرزندان آنان ایجاد شده است، لغو می‌شود (قانون اصلاح قوانین تنظیم جمعیت و خانواده، ۱۳۹۳/۴/۱۳). این قانون به نوعی نقطه عطف، در زمینه سیاست‌های جمعیتی و اعلام رویکردی متفاوت از گذشته در این زمینه بود. البته اگر چه این ماده واحده هم تنها به بُعد کمی

سیاست‌های جمعیتی و زمینه سازی برای رشد باروری توجه دارد، ولی در تبصره یک، بر نکته‌ای توجه و تأکید داشته است که به نظر می‌رسد رویکردی منطقی و عقلایی در باب سیاست‌های جمعیتی باشد. در این تبصره تأکید شده است که دولت می‌تواند هر پنج سال یک بار، با توجه به نتایج سرشماری های عمومی نفوس، ترکیب جمعیتی و شاخص های سیاسی، امنیتی، اقتصادی و اجتماعی در چهارچوب سیاست‌های کلی نظام و با رعایت شاخص‌های مندرج در قوانین برنامه پنج‌ساله با ارائه لایحه به مجلس شورای اسلامی نسبت به برقراری امتیازات یا ایجاد محدودیت‌ها بر اساس تعداد فرزندان اقدام کند.

البته به نظر می‌رسد این قانون در راستای تأمین سیاست‌های ابلاغی مقام رهبری در زمینه سیاست‌های کلان جمعیتی و با تکیه بر اختیارات تفویضی به ایشان در بند یک اصل ۱۱۰ قانون اساسی، شکل گرفته است. توضیح آنکه در تاریخ ۳۰ اردیبهشت سال ۱۳۹۳ مقام رهبری سیاست‌های کلی «جمعیت» را که بر اساس بند یک اصل ۱۱۰ قانون اساسی و پس از مشورت با مجمع تشخیص مصلحت نظام تعیین شده است، به رؤسای قوای سه گانه و رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام ابلاغ کردند. ایشان در متن

[i] نحوه استفاده از امتیازات پیش‌بینی شده در قانون کار، مصوب ۱۳۶۹/۸/۲۹ مجمع تشخیص مصلحت نظام و قانون تأمین اجتماعی، مصوب ۱۳۵۴، به شرح زیر خواهد بود: الف) مرخصی بارداری و زایمان کارگران زن (موضوع ماده ۷۶ قانون کار، مصوب ۱۳۶۹/۸/۲۹ مجمع تشخیص مصلحت نظام)، برای فرزندان چهارم و بعد که پس از یکسال از تصویب این قانون متولد می‌شوند، از مرخصی استحقاقی موجود و آتی کارگر کسر خواهد شد. ب) هزینه نگهداری فرزندان کارگران زن در مراکز نگهداری (موضوع ماده ۷۸ قانون کار، مصوب ۱۳۶۹/۸/۲۹ مجمع تشخیص مصلحت نظام)، برای فرزندان چهارم و بعد که پس از یکسال از تصویب این قانون متولد می‌شوند، به عهده کارگر خواهد بود. ج) حق بیمه فرزندان (موضوع ماده ۵۸ قانون تأمین اجتماعی مصوب ۱۳۵۴)، برای فرزندان چهارم و بعد که پس از یکسال از تصویب این قانون متولد می‌شوند، به صورت جداگانه تعیین و مطابق تعرفه تأمین اجتماعی از بیمه‌شده دریافت می‌گردد» (روزنامه رسمی، ۱۳۷۲/۳/۳۰، قانون تنظیم خانواده).

ابلاغیه خود تأکید می‌کنند:

با عنایت به اهمیت مقوله جمعیت در اقتدار ملی و با توجه به پویندگی، بالندگی و جوانی جمعیت کنونی کشور به عنوان یک فرصت و امتیاز و در جهت جبران کاهش نرخ رشد جمعیت و نرخ باروری در سال‌های گذشته، سیاست‌های کلی جمعیت ابلاغ می‌گردد. با در نظر داشتن نقش ایجابی عامل جمعیت در پیشرفت کشور، لازم است برنامه‌ریزی‌های جامع برای رشد اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور متناسب با سیاست‌های جمعیتی انجام گیرد. همچنین ضروری است با هماهنگی و تقسیم کار بین ارکان نظام و دستگاه‌های ذیربط در این زمینه، اقدامات لازم با دقت، سرعت و قوت صورت گیرد و نتایج رصد مستمر اجرای سیاست‌ها گزارش شود (خامنه‌ای، ۱۳۹۳/۲/۳۰).

سیاست‌های جمعیتی جمهوری اسلامی؛ انگاره‌ها و اندیشه‌ها

باز خوانی سیاست‌های جمعیتی جمهوری اسلامی ایران مؤید این مهم است که این سیاست‌ها سه دوره متفاوت را پشت سر گذاشته‌اند. از اوایل انقلاب تا سال‌های میانی دهه ۶۰ آنچه اعمال شده است، سیاست‌های جمعیتی بوده که نمود و برجستگی آن بیشتر در بعد کمی و افزایش جمعیت بوده است. از سال‌های دهه شصت تا اوایل دهه ۹۰ آنچه اعمال و اعلان شده سیاست‌های جمعیتی کنترلی و تحدیدی بوده است. از اوایل دهه ۹۰ به بعد گفتمانی در زمینه لزوم بازنگری در سیاست‌های جمعیتی سابق در بعد کمی و لزوم فاصله‌گیری از سیاست‌های کنترلی شکل گرفت. مقام رهبری در سال ۱۳۹۱ بر لزوم بازنگری در سیاست‌های جمعیتی تأکید می‌کنند؛ با این بیان که:

ما باید در سیاست تجدید نسل تجدید نظر کنیم. سیاست تجدید نسل در يك برهه ای از زمان درست بود، يك اهدافی هم برایش معین کردند. آنطوری که افراد متخصص و عالم و کارشناسان علمی این قسمت تحقیق و بررسی کردند و گزارش دادند، ما در سال ۷۱ به همان مقاصدی که از تجدید نسل

13

وجود داشت، رسیدیم. از سال ۷۱ به این طرف، باید سیاست را تغییر می‌دادیم، خطا کردیم، تغییر ندادیم. امروز باید این خطا را جبران کنیم. کشور باید نگذارد که غلبه نسل جوان و نمای زیبایی جوانی در کشور از بین برود و از بین خواهد رفت، اگر به همین ترتیب پیش برویم، آنطوری که کارشناس‌ها بررسی علمی و دقیق کردند. اینها خطابیات نیست، اینها کارهای علمی و دقیق کارشناسی شده است. اگر چنانچه با همین وضع پیش برویم، تا چند سال دیگر نسل جوان ما کم خواهد شد - که امروز قاعده جمعیتی ما جوان است - و به تدریج دچار پیری خواهیم شد. بعد از گذشت چند سال، جمعیت کشور هم کاهش پیدا خواهد کرد؛ چون پیری جمعیت با کاهش زاد و ولد همراه است. يك زمانی را مشخص کردند و به من نشان دادند که در آن زمان، ما از جمعیت فعلی‌مان کمتر جمعیت خواهیم داشت (خامنه‌ای، رمضان سال ۱۳۹۱).

ایشان در همین سال در جایی دیگر ضمن تأکید بر درستی سیاست‌های تجدید نسل در برهه‌ای از زمان، ادامه آن را از دهه ۷۰ به بعد نادرست دانسته‌اند:

یکی از خطاهایی که خود ما کردیم - بنده خودم هم در این خطا سهیمم - این مسأله تجدید نسل از اواسط دهه ۷۰ به این طرف باید متوقف می‌شد. البته اولی که سیاست تجدید نسل اتخاذ شد، خوب بود، لازم بود، لیکن از اواسط دهه ۷۰ باید متوقف می‌شد. این را متوقف نکردیم، این اشتباه بود. عرض کردم مسئولین کشور در این اشتباه سهیمند، خود بنده حقییر هم در این اشتباه سهیمم. این را خدای متعال و تاریخ باید بر ما ببخشند. نسل جوان را باید حفظ کرد (خامنه‌ای، ۱۳۹۱/۷/۱۹).

طرح این دغدغه‌ها با هدف شکل‌گیری گفتمان و فرهنگ‌سازی و در مواردی در قالب مطالبه از مسؤولان در سال ۱۳۹۲ نیز از جانب ایشان ادامه داشت (خامنه‌ای، رمضان سال ۱۳۹۲ و ۱۳۹۲/۹/۱۹) و در سال ۹۳ با ابلاغ سیاست‌های کلان جمعیتی به اوج رسید.

مسأله‌ای که در سیاست‌های جمعیتی جمهوری اسلامی در این سه دوره برجستگی خاصی دارد، این است که اساس این سیاست‌ها بر توجه به بعد کمی استوار است. توضیح آنکه رصد این سه دوره از سیاست‌های جمعیتی که بر اساس سیاست‌های اعمالی و اعلانی جمهوری اسلامی شکل گرفته است، مؤید این مهم است که توجه به بعد کمی جمعیت؛ چه در ساحت کنترل و تحدید جمعیت و چه در ساحت رشد باروری و زاد و ولد، شاخصه اصلی این سیاست‌ها می‌باشد. البته اگر چه در برخی از اسناد بالادستی، سیاست‌های جمعیتی از جمله ابلاغیه مقام رهبری در سال ۱۳۹۳، به مسائل و شاخصه‌های دیگری نیز توجه شده، ولی در همین سند نیز بعد کمی محور بوده و موارد دیگر در راستای این بعد مطرح شده است. نظر به برجستگی این بعد از سیاست‌های جمعیتی جمهوری اسلامی ایران و توجه به این واقعیت که بیشتر مناقشات و دغدغه‌های مطرح شده در باب این سیاست‌ها در بعد کمی و به ویژه جنبه کنترلی و تحدید نسل بوده است، در این مقاله به مبانی و مستندات این جنبه از سیاست‌های جمعیتی جمهوری اسلامی می‌پردازیم. توضیح آنکه سیاست‌های جمعیتی جمهوری اسلامی ایران در بعد کمی از دیرباز با دو رویکرد عمده مواجه بوده است. برخی سیاست‌های کنترلی و تحدیدی جمعیت را برنناخته و آن را مورد مناقشه قرار داده‌اند. ایشان سیاست سامان دهی خانواده را سیاست القاء شده از سوی استکبار می‌انگارند که با رحلت امام خمینی (ع)، در کشور مطرح و به اجراء گذاشته شده است (حسینی تهرانی، ۱۴۱۵ ق، ص ۱۲۹). چنانچه برخی نیز در انتقاد به سیاست‌های کنترلی بر این باورند که بهتر نیست بودجه‌ای که در راه کنترل جمعیت مصرف می‌شود در راه فراهم ساختن وسایل زندگی خانواده‌های فقیر مصرف گردد و به جای انسان کشی، به احیای انسان‌های فقیر و بی دفاع پردازیم (سبحانی، ۱۳۶۰، ص ۸۲). در مقابل این انگاره و ادعا، برخی نه تنها این سیاست‌ها را حتی در ساحت کنترلی و تحدیدی پذیرفته‌اند، بلکه به بایستگی آن در موارد و شرایط خاص به خود اعتقاد دارند (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۳، ص ۲۹۲-۲۸۱؛ مؤمن، ۱۳۷۴، ش ۸ و ۹، ص ۱۳۵-۱۱۲). در ادامه، ضمن بررسی مبانی و مستندات این دو انگاره به تبیین موضوع و مفهوم شناسی سیاست‌های جمعیتی می‌پردازیم.

مبانی و مستندات انگاره عدم جواز سیاست کنترلی و تحدیدی

گفته شد که برخی با سیاست کنترلی و تحدیدی در زمینه جمعیت مخالف بوده و از لحاظ دینی و شرعی آن را جایز نمی‌دانند. بر اساس این انگاره سیاست‌های جمعیتی جمهوری اسلامی ایران از سال‌های دهه شصت تا اوایل دهه ۹۰ فاقد مجوز شرعی بوده است. این گروه برای اندیشه خود به ادله و مستنداتی تمسک کرده یا امکان دارد تمسک کنند که ما به بررسی این ادله و مستندات می‌پردازیم.

الف) آیات قرآنی

1. برخی از گزاره های قرآنی، خداوند را روزی دهنده معرفی کرده و از کشتن فرزندان به خاطر ترس از فقر نهی کرده است: «وَلَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ خَشْيَةَ إِمْلَاقٍ نَحْنُ نَرْزُقُهُمْ وَإِيَّاكُمْ إِنَّ قَتْلَهُمْ كَانَ خِطْئًا

کبیراً» (اسراء(۱۷): ۳۱). در این دیدگاه، تحدید نسل نوعی قتل فرزند است که بر اساس این گزاره قرآنی از آن نهی شده است.

2. گزاره‌های قرآنی مربوط به حرمت قتل نفس از جمله ادله‌ای هستند که بر نارو بودن سیاست‌های جمعیتی تحدیدی دلالت دارند؛ چرا که تحدید نسل به نوعی قتل فرزندان است: «مَنْ قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا» (مائده(۵): ۳۲ [i]) «وَلَا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ» (اسراء(۱۷): ۳۳ [ii]).

3. بر خلاف اندیشه و انگاره‌ای که محدودیت منابع را مجوز سیاست‌های کنترلی و تحدید نسل می‌دانست، برخی از گزاره‌های قرآنی، خداوند را روزی دهنده همه موجودات دانسته و روزی همه جانداران را تضمین کرده است: «وَمَا مِنْ دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ إِلَّا عَلَى اللَّهِ رِزْقُهَا وَيَعْلَمُ مُسْتَقَرَّهَا وَمُسْتَوْدَعَهَا كُلٌّ فِي كِتَابٍ مُبِينٍ» (هود(۱۱): ۶ [iii]) «وَكَايُنَ مِنْ دَابَّةٍ لَّا تَحْمِلُ رِزْقَهَا اللَّهُ يَرْزُقُهَا وَإِيَّاكُمْ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ» (عنکبوت(۲۹): ۶۰ [iv]). (بر این اساس، برخی از مفسرین نیز تأکید می‌کنند که بشر نباید برای رزق و روزی خود دغدغه‌ای داشته باشد و به سبب آن از نسل خود بکاهد (قرآنی، ۱۳۸۳، ج ۳، ص ۱۶۴).

در کنار این گزاره‌های قرآنی برخی از گزاره‌های دیگر نیز وجود دارد که به نوعی و

[i] «هر کس انسانی را بدون ارتکاب قتل یا فساد در روی زمین بکشد، چنان است که گویی همه انسانها را کشته است.»

[ii] «و کسی را که خداوند خورش را حرام شمرده، نکشید، جز به حق.»!

[iii] «هیچ جنبنده‌ای در زمین نیست، مگر اینکه روزی او بر خداست! او قرارگاه و محل نقل و انتقالش را می‌داند. همه اینها در کتاب آشکاری ثبت است! [در لوح محفوظ، در کتاب علم خدا.]»

[iv] «چه بسا جنبنده‌ای که قدرت حمل روزی خود را ندارد، خداوند او و شما را روزی می‌دهد و او شنوا و داناست.»

به ملازمه بر عدم جواز سیاست‌های تحدیدی و کنترلی دلالت دارند؛ از جمله برخی از گزاره‌ها کثرت نسل را نعمت الهی برشمرده‌اند و هدف اصلی از ازدواج را تکثیر و بقای نسل بشر دانسته‌اند (نساء(۴): ۱؛ نحل(۱۶): ۷۲؛ اعراف(۷): ۸۶؛ فرقان(۲۵): ۷۴). اگر چه برخی از دانشیان مسلمان در مسأله مورد بحث به این گزاره‌ها استناد کرده‌اند (القری بن عید، ۱۴۰۹ق، ش ۵، ص ۳۲۵؛ طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۳۱۷)، ولی از آنجا که عدم دلالت این گزاره‌ها بر حرمت و عدم جواز سیاست‌های کنترلی در زمینه جمعیت، بدیهی است از پرداختن به آن صرف نظر می‌کنیم.

ب) روایات

از جمله ادله‌ای که مخالفان سیاست‌های کنترلی و تحدیدی جمعیت به آن استناد کرده‌اند، روایات است. برخی از این روایات بر اهتمام به ازدواج و فرزندآوری تأکید کرده و ترک ازدواج را تقبیح کرده‌اند: كُنَّا عِنْدَ النَّبِيِّ (ص) فَقَالَ: «إِنَّ خَيْرَ نَسَائِكُمُ الْوَالِدُ الْوَالِدُ الْعَفِيفَةُ الْعَزِيزَةُ فِي أَهْلِهَا الدَّلِيلَةُ مَعَ بَعْلِهَا الْمَتَّبِرَّةِ مَعَ زَوْجِهَا الْحَصَانِ عَلَى غَيْرِهِ الَّتِي تَسْمَعُ قَوْلَهُ وَتَطِيعُ أَمْرَهُ وَإِذَا خَلَا بِهَا بَدَلَتْ لَهُ مَا يَرِيدُ مِنْهَا وَ لَمْ تَبْدَلْ كِتَابَ الرِّجْلِ» (كلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۳۲۴) [i]. (تزوجوا فإني مكاتر بكم الأمم غداً في القيامة) (صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۳، ص ۳۸۳) [ii]. (فإن رسول الله (ص) كثيراً ما كان يقول من كان يحب أن يتبع سنتي فليتزوج فإن من سنتي التزويج و اطلبوا الولد فإني أكاتر بكم الأمم غداً... (صدوق، ۱۳۶۲، ج ۲، ص ۶۱۰) [iii]. (ردال موتاكم العزّاب) (كلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۳۲۹) [iv]. (برخی دیگر نیز تشویق به ازدواج با زنان فرزندآور کرده، زنان نازا و ازدواج با آنان را مذمت کرده‌اند: «تزوجوا بکراً ولوداً و لا تزوجوا حسناء جميلة عاقراً فإني أباهي بكم الأمم يوم القيامة» (همان، ص ۳۳۳) [v]. (ألا أخبركم بشرار نساءكم الدليلية في أهلها العزيزة مع بعْلِها العقيم الحقود» (همان، ص ۳۲۵) [vi]. (الشؤم في ثلاث: في المرأة و الدابة و الدار فأما شؤم المرأة فكثرة مهرها و عقم رحمها» (همان، ص ۵۶۷) [vii]. و لخصير في ناحية

[i] «در نزد پیامبر بودیم فرمودند: بهترین زنان، آنهایی هستند که دارای این مشخصات باشند: زنی که زیاد زایمان کند.»...

[ii] «ازدواج کنید؛ زیرا من در فردای قیامت به زیادی تعداد شما امت، مباحات می‌کنم.»

[iii] «ازدواج کنید که رسول الله ۹ زیاد می‌فرمودند کسی که دوست دارد سنت مرا تبعیت کند، پس باید ازدواج کند.»

[iv] «پست‌ترین مرده‌های شما عذب‌ها هستند.»

[v] «با زن باکره ای که زیاد زایمان کند ازدواج کنید و از ازدواج با زن زیباروی نازا بپرهیزید. همانا من در روز قیامت به امت مباحات می‌کنم.»

[vi] «آیا خبر دهم شما را به بدترین زنان؟ آنان کسانی هستند که در میان خانواده شان حقیر و نزد همسرشان متکبر، نازا و کینه‌توز هستند.»...

[vii] «شومیت در سه چیز است: زن، حیوان و خانه، اما زن شوم آن زنی است که مهرش زیاد و نازاست.»

نسل تأکید می کنند: «أكثرُوا الولد أكثر بكم الأمم غداً» (کلینی، ۱۷۴۱ق، ج ۶، ص ۲۱۱).^[ii]

ج) استناد به قاعده «لاضرر»

اگر چه راه‌های زیادی برای پیشگیری از حمل و انعقاد نطفه وجود دارد، ولی برخی از مخالفان تحدید نسل، تمامی این راه‌ها را مضر به حال زن و مرد دانسته و می‌گویند اینها اکثراً باعث عقیم شدن دائمی زن و مرد می‌شود و در اسلام به حکم عقل و شرع، هر چیزی که برای انسان ضرر معتنا به و یقینی داشته باشد، حرام است. در نتیجه تحدید نسل و پیشگیری از حمل، از این راه‌ها نیز حرام است (حسینی تهرانی، ۱۵۴۱ق، ص ۴۰).

د) استناد به درک عقل

درک عقل نیز از جمله ادله‌ای است که ممکن است مورد استناد مخالفان سیاست‌های جمعیتی کنترلی قرار گیرد. بر این اساس، از آنجا که جمعیت، رابطه مستقیم و غیر قابل انکاری با اقتدار داشته و عزت جامعه اسلامی در معادلات جهانی بسته به ازدیاد شمار مسلمانان است، پس به درک عقل، سیاست کنترول و مهار رشد جمعیت در کشورهای اسلامی، امری قبیح و مذموم بوده و جواز شرعی ندارد. توضیح آنکه سیاست‌های کنترلی در جوامع اسلامی بیشتر توطئه‌ای استعماری و غربی برای مهار رشد جمعیت دنیای اسلام است (ایازی، ۱۳۷۶، ص ۱۵۸؛ حسینی تهرانی، ۱۵۴۱ق، ص ۱۲۹).

مبانی و مستندات انگاره جواز سیاست کنترلی و تحدیدی

در مقابل برخی از دانشیان مسلمان طرفدار سیاست‌های کنترول جمعیت بوده و سیاست‌های جمعیتی جمهوری اسلامی ایران را در زمینه کنترول و تحدید جمعیت، دارای مبانی و مستندات شرعی می‌دانند. طرفداران این اندیشه برای مبرهن کردن اندیشه و انگاره خود بعد از اصل اباحه و جواز، به ادله و مستنداتی تمسک کرده یا امکان

[i]. همانا حصیری در گوشه خانه افتاده است از زنی که نمی‌زاید بهتر است.»

[ii]. زیاد کنید فرزندان را که در روز قیامت امت من به وسیله آنان زیاد و گسترده می‌شوند.»

دارد تمسک کنند که ما به بررسی این ادله و مستندات می‌پردازیم.

الف) آیات قرآنی

1. برخی از گزاره‌های قرآنی، اموال و فرزندان را وسیله آزمایش انسانها قرار داده و فخر فروشی و افزون طلبی در اموال و فرزندان را نکوهش کرده‌اند: «إِنَّمَا أَمْوَالُكُمْ وَأَوْلَادُكُمْ فِتْنَةٌ وَاللَّهُ عِنْدَهُ أَجْرٌ عَظِيمٌ» (تغابن (۶۴): ۱۵، [i]) «اَعْلَمُوا أَنَّمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا لَعِبٌ وَلَهُمْ رِزْقُهُمْ وَتَفَاخُرُ بَيْنَكُمْ وَتَكَاثُرٌ فِي

الأَمْوَالِ وَالْأَوْلَادِ» (حدید(۵۷): ۲۰) [ii]. «وَمَا أَرْسَلْنَا فِي قَرْيَةٍ مِّنْ نَّذِيرٍ إِلَّا قَالَ مُتْرَفُوهَا إِنَّا بِمَا أُرْسِلْتُمْ بِهِ كَافِرُونَ وَقَالُوا نَحْنُ أَكْثَرُ أَمْوَالًا وَأَوْلَادًا وَمَا نَحْنُ بِمُعَذِّبِينَ» (سبأ(۳۴): ۳۵-۳۴) [iii].

2. برخی از گزاره‌های قرآنی، ازدواج را مشروط به داشتن شرایط و امکانات ازدواج دانسته و در صورت نبود این شرایط، امر به عفاف کرده‌اند. بر این اساس، در صورت نبود شرایط و امکانات، حتی اصل ازدواج هم درست نیست تا چه رسد به ازدیاد نسل: «وَلَيْسَتَّعْفِيفِ الَّذِينَ لَا يَجِدُونَ نِكَاحًا حَتَّى يُغْنِيَهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ» (نور(۲۴): ۳۳) [iv].

ب) روایات

روایات از جمله ادله‌ای است که برای تبیین جواز سیاست‌های کنترلی به آن استناد می‌شود. برخی از این روایات زیادی فرزندان را مذمت کرده و کمی آن را ستوده‌اند: «الفقر الموت الأكبر و قلة العیال أحد الیسارین» (حرانی، ۱۴۰۴ق، ص ۲۱۴) [v]. (ثلاث من أعظم البلاء كثرة العائلة و غلبة الدین و دوام المرض» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق، ص ۳۳۱) [vi]. «و سئل عن الخیر ما هو؟ فقال لیس الخیر أن یكثر مالک و ولدک» (نهج البلاغه، حکمت ۹۴) [vii]. (قال رسول الله(ص) اللهم و ارزق من أبغض محمداً و آل محمد كثرة المال و الولد» (راوندی کاشانی، بی تا، ص ۱۶) [viii]. (برخی دیگر فقر را که رابطه مستقیمی با زیادی فرزندان دارد نکوهش کرده‌اند: «کاد الفقر أن یكون کفراً» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۳۰۷) [ix].

ج) درک عقل

درک عقل از جمله ادله‌ای است که می‌تواند مستند اندیشه جواز سیاست‌های

[i]. اموال و فرزندان فقط وسیله آزمایش شما هستند و خداست که پاداش عظیم نزد اوست.»!

[ii]. بدانید زندگی دنیا تنها بازی و سرگرمی و تجمل پرستی و فخر فروشی در میان شما و افزون طلبی در اموال و فرزندان است.»

[iii]. و ما در هیچ شهر و دیاری پیامبری بیم دهنده نفرستادیم، مگر اینکه مترفین آنها (که مست ناز و نعمت بودند) گفتند: ما به آنچه فرستاده شده اید کافریم! و گفتند: اموال و اولاد ما (از همه) بیشتر است (و این نشانه علاقه خدا به ماست!) و ما هرگز مجازات نخواهیم شد.»!

[iv]. و کسانی که امکانی برای ازدواج نمی‌یابند، باید پاکدامنی پیشه کنند تا خداوند از فضل خود آنان را بی‌نیاز گرداند.»!

[v]. فقر، مرگ بزرگتر و کمی تعداد زن و فرزند یکی از دو آسایش است.»

[vi]. سه چیز از شدیدترین گرفتاری‌ها می‌باشد: ۱. فراوانی تعداد زن و فرزند؛ ۲. غلبه کردن بدهکاری‌ها بر انسان؛ ۳. طولانی شدن بیماری.»

[vii]. زیادی مال و فرزندان خیر نیست.»

[viii]. خدایا به کسی که دشمن محمد(ص) و آل محمد(ص) می‌باشد، مال و فرزندان زیاد عطا

کن.»

[ix] «فقر انسان را به کفر می کشاند.»

19

جمعیتی باشد. توضیح آنکه توجه به مشکلات و معضلات رشد بی رویه جمعیت در کنار نامحدودبودن منابع و امکانات حیاتی موجود در کره زمین باعث شده که برخی بر جواز و لزوم کنترل جمعیت تأکید کنند. با این بیان که:

اگر واقعاً مطالعات کارشناسان اجتماعی با ایمان، با بصیرت، واقع بین، همه سونگر و محاسب، به این نتیجه رسید که اگر در جامعه اسلامی تیراژ فرزندان از عدد معینی بالاتر رود، جان این جامعه و هستی این و سلامت این جامعه در معرض خطر است، به راحتی می توان قنوا داد که بر این امت واجب است که میزان فرزندان را در حد معین نگه دارد؛ چون ما با نصوص اسلامی فراوان دریافته ایم که جان جامعه از جان فرد محترم تر است (حسینی بهشتی، ۱۳۷۹، ص ۳۱-۳۲).

حتی برخی با تمسک به درک عقل و محاسبات عقلی، نه تنها سیاست های کنترلی در زمینه جمعیت را روا دانسته، بلکه توسل به سقط جنین را هم در مواردی روا می دانند. گفته شده:

ممکن است، گفته شود ما در حرمت سقط جنین تردیدی نداریم، ولی طبق محاسبه بعضی از متفکران که گفته اند افزایش خواروبار در روی زمین با تصاعد حسابی است و افزایش نفوس با تصاعد هندسی و نتیجه آن انفجار زمین از گرسنگی می باشد، مسأله وارد باب تراحم می گردد که قانون اقتضاء می کند که اهم را بر مهم مقدم بداریم (جعفری، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۲۴۷).

نقد و بررسی

1. به نظر می رسد که مسأله سیاست های جمعیتی موضوعی است که خصوصیات مقومش شناور در زمان بوده و وابستگی خاصی به مکان و مصالح و مقتضیات زمانی و مکانی دارد. نکته ای بدیهی که شاید غفلت از آن باعث شده برخی از دانشیان مسلمان نسبت به موضوع جمعیت و سیاست های جمعیتی تصویری درست و واقعی نداشته باشند. اندیشه ها و انگاره های این دانشیان و نوع و نحوه تمسک آنها به ادله و مستندات شرعی،

20

مؤید عدم درک صحیح این دانشیان نسبت به مفهوم و موضوع جمعیت و سیاست های جمعیتی است. توضیح آنکه اگر چه در بین فقهاء معروف است که فقیه، خود را متصدی تعیین موضوع حکم شرعی برای دیگران ندانسته و تأکید می کنند: «تعیین موضوع حکم، شأن فقیه بماهو فقیه نیست» (منتظری،

۴۲۹ (ق، ص ۲۱) و شاید بر این اساس، امام خمینی (ره) در جواب استفتایی درباره رانندگانی که به خاطر عدم رعایت مقررات راهنمایی و یا در اثر عدم مهارت، باعث قتل افراد به خاطر تصادف می‌شوند، می‌فرماید: «با فرض اینکه تخلف، تفریط نسبت به نفس است، حکم شبه عمد را دارد» (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۱۷، ص ۴۰۸)، دادستان وقت، با مطرح کردن این استفتاء و به جهت تشخیص مصداق خارجی، سؤالی را بدین مضمون مطرح می‌کند که: «آیا این حکم به طور مطلق است؛ یعنی نظر مبارک بر تفریط بودن است یا تشخیص، به عهده محکمه می‌باشد و حضرت‌عالی با فرض موضوع حکم فرمودید؟»، مرحوم امام پاسخ می‌دهند: «تشخیص موضوع با اینجانب نیست» (همان).

ولی بر آشنایان به سنج‌های استنباط و اجتهاد پوشیده نیست که برای تعیین حکم، تشخیص و شناخت موضوع ضروری است؛ چرا که بدون شناخت و مشخص کردن موضوع، به دلیل اینکه موضوع هسته و نهاد گزاره حکمیه است، امکان حکم وجود نداشته و ندارد؛ چنانچه به نظر می‌رسد که مراد از موضوع در گزاره «شأن فقیه نیست که وارد موضوعات شود»، نیز مصداق باشد. توضیح آنکه گاهی در لسان فقهاء، از مصداق حکم تعبیر به موضوع می‌شود، ولی با توجه به اینکه در این بحث، فرد خارجی یا موقعیت خارجی که حکم بر آن منطبق می‌شود، مراد است، تعبیر به مصداق بهتر است و بر این اساس، در هر گزاره حکمیه فقهی، لاجرم به موضوع پرداخته می‌شود، ولی مصداق خارجی همین موضوع و چگونگی تعیین آن، فرآیند دیگری را می‌طلبد.

با این توضیح، از آنجا که بحث سیاست‌های جمعیتی به ویژه در بعد کمی؛ چه در ساحت سیاست‌های کنترلی و تحدیدی و چه در ساحت سیاست‌های از دیاد باروری، موضوعی است که ارتباط مستقیمی با شرایط مکانی و زمانی و مصالح جامعه اسلامی دارد، شاید به همین دلیل امام خمینی (ره) در پاسخ به کسانی که نظر ایشان را درباره

جلوگیری از رشد زاد و ولد خواسته بودند، تأکید می‌کردند که: «راجع به موالید، تابع آن است که حکومت چه تصمیمی بگیرد» (همان، ج ۵، ص ۱۸۳). بر این اساس، با توجه به متغیر و شناور بودن این ویژگی‌ها به درک عقل حکمی مطلق و ثابت در باب آن نادرست و نارواست؛ چنانچه با توجه به ماهیت سیاست‌های جمعیتی، ادله‌ای که در آن از قتل، قتل نفس و تأکید بر فرزندآوری صحبت می‌شد، چندان به این موضوع مربوط نیست؛ چرا که پیشگیری از بارداری با روش‌های امروزی، ماهیتاً با قتل، متفاوت است؛ چنانچه ازدواج، لزوماً با این سیاست‌ها منافاتی نداشته و در این سیاست‌ها بیشتر تأکید بر تعداد کمتر فرزندان است، نه ازدواج نکردن.

2. نصوص و گزاره‌هایی که رزق و روزی هر جنبنده‌ای را از جانب خداوند تضمین می‌کرد، اگر چه تا حدودی با سیاست‌های کنترلی مبتنی بر استدلال و انگاره‌های مالتوسی در تضاد است، ولی از آنجا که سیاست‌های جمعیتی، مفهومی عام‌تر از زندگی را مد نظر دارد، مفهومی فراتر از زنده ماندن، تضمین روزی موجودات و جنبندگان، تلازمی با حرمت و ناروایی اجرای این سیاست‌ها ندارد؛ چنانچه خداوند همین رزق و روزی را نیز در سامانه‌ای خاص از اسباب و علت‌ها قرار داده است که رعایت و پایبندی به آن بایسته است: «إن الله سبحانه یجری الأمور علی ما یقتضیه لا علی ما ترتضیه» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ ق، ص ۲۲۲)؛ چنانچه فهمی که مخالفان سیاست‌های کنترلی از این نصوص دارند، در تنافی گزاره‌هایی روایی است که کمی فرزندان را به لحاظ مالی از موجبات آسایش می

دانست.

3. نصوصی که ترغیب و تشویق به ازدواج با زانی می‌کرد که فرزندآور هستند یا از ازدواج با زنان نازا برحذر می‌داشت نیز با مناقشه عدم دلالت روبرو هستند. توضیح آنکه لسان و فضای این نصوص، بیشتر توصیه و سفارش است تا تشریح حکم الزامی و بر این اساس است که ازدواج با زنی که نازا است، محذوری شرعی در پی نداشته و ممنوعیتی ندارد؛ چنانچه به نظر می‌رسد که ذم و مذمت یک زن به صرف نازا بودن آنچنان که مقتضای برخی از این نصوص روایی بود، شایسته نباشد.

4. چنانچه استناد به قاعده «لاضرر» نیز برای ممنوعیت و ناروایی سیاست‌های

کنترلی بی‌مورد است؛ چرا که از سویی بر خلاف ادعای ایشان همه شیوه‌های کنترلی با ضرر همراه نیست؛ چنانچه عزل یکی از این شیوه‌هاست. از سوی دیگر، ضرری که این قاعده از آن نهی کرده است، ضرر معتدابه است، نه هر ضرری. بر این اساس، استناد به قاعده لاضرر در مسأله مورد بحث با مناقشه جدی همراه است.

5. همچنین برخی از ادله و مستندات طرفداران انگاره جواز از حیث دلالت با مناقشه روبرو است؛ چنانچه فتنه بودن اولاد و اموال یا مذمت تفاخر به مال و اولاد، هیچ دلالتی بر مسأله مورد بحث نداشته و ندارد.

6. فرآیند پژوهش تا به اینجا ثابت کرد که روش مرسوم در باب فهم شریعت و دین با همه پتانسیل‌ها و ظرفیت‌های موجود در ادله و مبانی، در عمل توفیق چندانی در حل مشکلات و مسائل پیش رو نداشته و بیشتر منجر به دعوای کشدار پیرامون ظهورات، اطلاق‌ات و عمومیت‌های ادعایی الفاظ شده که معمولاً در فرآیندی بی‌حاصل و بیشتر برای صحه گذاشتن بر مرام و باورهای پیشینی مخاطب است تا کشف حقیقت. میراث چنین روشی جز ابهام، شک و سرپوش گذاشتن بر زوایای پیدا و پنهان مسأله‌ای که موضوع تحقیق برای رسیدن به آن طرح شده ندارد. تنها راه حل برای مقابله با آسیب‌ها و نتایج زیانبار این روش، توجه به مجموعه شریعت است. توجه به مجموعه شریعت به این معنا است که نمی‌توان دستوری از یک قانون را جدای از سایر قوانین به کار بست و یا سخنی از یک مکتب و شریعت آسمانی را جدای از سایر سخنان آن مکتب تفسیر کرد. این یک اصل عقلایی است و نزد همه خردمندان معمول می‌باشد. عالمان و فقیهان، گرچه از مخصص و مقید پیوسته و ناپیوسته، لفظی و غیر لفظی جستجو می‌کنند و تا به آنجا فحص می‌کنند که یقین به عدم پیدا شود، اما نوعی فحص دیگر هم لازم است که نسبت به آن قصور شده است. منظور از فحص این است که برای تفسیر یک سخن باید مجموعه شریعت را در نظر داشت و فراتر از مخصص و مقید مصطلح، به جستجو پرداخت.

به عبارتی این نگاه را که می‌شود «فهم پازلی [i]» شریعت و دین نامید، در حقیقت

[i] به جای «فهم پازلی» می‌شود از گزاره «فهم شبکه ای یا سیستمیک» گزاره ها نیز استفاده کرد.

تأکیدی بر این است که هر گزاره شرعی به تنهایی خود قطعه هایی از یک پازل هستند که اگر چه دارای شکل و ساختار مفهومی خاص به خود است، ولی تفسیر و فهم آن بدون در نظر داشتن آن قطعه در کنار دیگر قطعه های پازل و جایگاه آن قطعه در ساختار کلی پازل، ناروا و رهن است. بر این اساس، فهم پیام، اوامر و نواهی، رخصت ها و عزیمت های شریعت با جزئی نگری و تکیه کشدار بر گزاره های جزئی، رهن و ناصواب است (هاشمی، ۱۳۹۲، ص ۱۵۳-۱۵۱). سروده «مولوی» در مورد گروهی که در تاریکی، فیلی را لمس می‌کردند و هر کس به فراخور قسمتی که لمس کرده بود، تعریفی از فیل ارائه می داد، خود شاید سخن مناسبی در باب توصیف این شیوه از پژوهش باشد (مولوی، ۱۳۷۹، ص ۳۸۴). بر این اساس، بحث از سیاست های جمعیتی باید با توجه به مقاصد کلان شریعت، جامعیت، جهانی و جاودان بودن آموزه های دین مبین اسلام در کنار عاقبت اندیشی، [ii] در نظر داشتن آسیب های فقر و دوری از حرج و ضرر باشد؛ چنانچه توجه به درک عقل نیز بایسته است.

7. به نظر می رسد که توجه به درک عقل از بایسته های این پژوهش است؛ توضیح آنکه درک عقل و توجه به آن در فقه شیعه جایگاهی ممتاز دارد تا به آنجا که عقل بر اساس آموزه های این مکتب به عنوان پیامبر درون توصیف شده است [iii]. توجه به عقل به عنوان دلیلی مستقل یا متمم دیگر اسناد و ادله؛ چه در ساحت دلالت و چه در ساحت فهم نصوص، از ویژگی های فقه زنده و مبتنی بر خرد است. در این مسأله که دارای زوایای مختلفی در ساحت های اجتماعی - سیاسی است با توجه به موقعیت ها، مقتضیات و مصالح زمانی و مکانی در کنار توجه و نگاه سیستمی به مجموعه شریعت، عقل درک متفاوت و مختلفی را از لزوم سیاست های کنترلی تا ناروا بودن آن به دست می دهد و درک ثابتی در جانب حرمت و جواز ندارد. البته اگر مستمسک، درک عقل شد، باید در مصادیق هم به مقتضای درک عقل توجه کرد. بر این اساس، اصل سیاست های جمعیتی در بعد کمی؛ چه با رویکرد کنترلی و چه با رویکرد از دیاد مولید، نه تنها محذوری شرعی در پی نداشته، بلکه دارای مبانی و مستندات مورد پذیرش شرع است؛ چنانچه متغیر بودن این سیاست ها در ادوار مختلف با توجه به شناور بودن و چندساحتی بودن

[i] «أعقل الناس أنظرهم في العواقب» (عبدالواحد تمیمی آمدی، غرر الحکم و درر الکلم، ص ۲۱۷).

[ii] اشاره به حدیثی از امام کاظم (ع) است: «یا هشام إنَّ لله على النَّاسِ حجَّتین حجَّة ظاهرة و حجَّة باطنة فأما الظَّاهرة فالرَّسل و الأنبياء و الأئمة و أما الباطنة فالعقول» (محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۱۰).

موضوع، محذوری در پی نداشته و ندارد.

جمهوری اسلامی ایران؛ سیاست‌های جمعیتی و توجه به چند نکته

1. با توجه به ماهیت متغیر مسأله سیاست‌های جمعیتی در بعد کمی، بایسته است که شرایط و موقعیت‌های زمانی و مکانی به طور مستمر رصد شود و بر اساس این رصد مستمر و کارشناسی‌های دقیق، سیاست‌گذاری شده و ادامه این سیاست‌ها هم منوط به کار کارشناسی و دوراندیشی است. مسأله‌ای که بازخوانی اندیشه‌ها و مطالبات مقام رهبری در زمینه سیاست‌های جمعیتی در سال‌های اخیر، بر آن تأکید می‌کند. چنانچه گذشت ایشان ضمن تأکید بر توجه به گزارشات کارشناسی دقیق و علمی و درستی سیاست‌های تحدید نسل در برهه‌ای از زمان، ادامه آن را با توجه به همین کارشناسی‌ها نادرست می‌دانستند. مسأله‌ای که در ابلاغیه سیاست‌های کلان جمعیتی نیز به آن تأکید شده است: «رصد مستمر سیاست‌های جمعیتی در ابعاد کمی و کیفی با ایجاد ساز و کار مناسب و تدوین شاخص‌های بومی توسعه انسانی و انجام پژوهش‌های جمعیتی و توسعه انسانی» (خامنه‌ای، ۱۳۹۳/۲/۳۰) بایسته است؛ چنانچه به نظر می‌رسد که بر همین اساس، در تبصره یک ماده واحده «قانون اصلاح قوانین تنظیم جمعیت و خانواده» مقرر شده است: «دولت می‌تواند هر پنج سال یک بار، با توجه به نتایج سرشماری‌های عمومی نفوس، ترکیب جمعیتی و شاخص‌های سیاسی، امنیتی، اقتصادی و اجتماعی در چهارچوب سیاست‌های کلی نظام و با رعایت شاخص‌های مندرج در قوانین برنامه پنج ساله با ارائه لایحه به مجلس شورای اسلامی نسبت به برقراری امتیازات یا ایجاد محدودیت‌ها بر اساس تعداد فرزندان اقدام کند» (قانون اصلاح قوانین تنظیم جمعیت و خانواده، ۱۳۹۳/۴/۱۳).

2. نتیجه منطقی وابستگی سیاست‌های جمعیتی به مقتضای زمان و مکان، نه تنها توجیه متغیر بودن این سیاست‌ها در شرایط و مقتضیات زمانی است، بلکه امکان متغیر بودن این سیاست‌ها در مکان‌های مختلف نیز وجود دارد. بر این اساس، بسته به

مقتضیات مکانی و مصالح قطعیه، این امکان وجود دارد که در منطقه‌ای سیاست‌های کنترلی و تحدیدی اجراء شود و در منطقه‌ای دیگر سیاست از دیاد موالید؛ چنانچه بنا بر مصلحت، امکان دارد این سیاست‌ها در زمره سیاست‌های اعمالی باشد.

3. مرجع تشخیص ضرورت، چگونگی و نوع این سیاست‌ها، مکلف و یا به بیان بهتر، نهاد مکلف است. بهتر بودن تعبیر نهاد مکلف از این باب است که با توجه به گستره احکام، در برخی موارد یک مجموعه یا دستگاه مکلف است (هاشمی، ۱۳۹۱، ص ۷۷)، ولی از آنجا که مسأله سیاست‌های جمعیتی، مسأله‌ای چندساحتی است که رابطه مستقیمی با شرایط سیاسی و اجتماعی و مصالح و مفاسد کلی دارد، در کشورهایی که حکومت و حاکمیت اسلامی وجود دارد، مرجع تشخیص، حاکمیت و حکومت اسلامی است. در کشورهای غیر اسلامی مرجع تشخیص، مکلفی است که این مسأله متوجه

اوست؛ البته در این شرایط نیز توجه به درک عقل و مقتضیات مکانی و زمانی بایسته است.

نتیجه گیری

جمهوری اسلامی ایران، سه دوره متفاوت از سیاست‌های جمعیتی را پشت سر گذاشته است: از اوایل انقلاب تا سال‌های میانی دهه ۶۰ آنچه اعمال شده است، سیاست‌های جمعیتی بوده که نمود و برجستگی آن بیشتر در بعد کمی و افزایش جمعیت بوده است. از سال‌های میانی دهه شصت تا اوایل دهه ۹۰، آنچه اعمال و اعلان شد، سیاست‌های جمعیتی کنترلی و تحدیدی بوده است. از اوایل دهه ۹۰ به بعد، گفتمانی در زمینه لزوم بازنگری در سیاست‌های جمعیتی سابق در بعد کمی و لزوم فاصله گیری از سیاست‌های کنترلی شکل گرفت. مسأله سیاست‌های جمعیتی، موضوعی است که خصوصیات مقومش شناور در زمان بوده و وابستگی خاصی به مکان و مصالح و مقتضیات زمانی و مکانی دارد. بر این اساس، با توجه به موقعیت‌ها، مقتضیات و مصالح زمانی و مکانی در کنار توجه و نگاه سیستمی به مجموعه شریعت، عقل درک متفاوت و مختلفی را از لزوم سیاست‌های کنترلی تا ناروا بودن آن به دست می‌دهد و درک ثابتی

در جانب حرمت و جواز ندارد؛ چنانچه بر همین اساس، امام خمینی(ره) بحث موالید را بسته به نظر و سیاست‌های حاکمیت می‌داند. با توجه به ماهیت متغیر مسأله سیاست‌های جمعیتی در بعد کمی، بایسته است که شرایط و موقعیت‌های زمانی و مکانی به طور مستمر رصد شود و بر اساس این رصد مستمر و کارشناسی‌های دقیق، سیاست‌گذاری شده و ادامه این سیاست‌ها هم منوط به کار کارشناسی و دوراندیشی است. چنانچه بنا بر مقتضیات مکانی و مصالح قطعی، این امکان وجود دارد که در منطقه‌ای سیاست‌های کنترلی و تحدیدی اجراء شود و در منطقه‌ای دیگر سیاست از دیاد موالید؛ همچنانکه بنا بر مصلحت، امکان دارد این سیاست‌ها در زمره سیاست‌های اعمالی باشد. سیاست‌های جمعیتی جمهوری اسلامی در بعد کمی همسو با اندیشه‌های مقام معظم رهبری (دام ظلّه العالی) بوده؛ اگر چه ایشان معتقدند که با توجه به یافته‌های کارشناسی و واقعیت‌های موجود در زمینه جمعیت ایران از برهه‌ای ادامه سیاست‌های کنترلی در باب جمعیت درست نبوده است.

منابع و مأخذ

1. قرآن کریم.
2. نهج البلاغه.
3. ابن منظور، ابوالفضل محمدبن مکرم، لسان العرب، ج ۳، بیروت: دار الفکر للطباعة و

النشر و التوزيع - دار صادر، چ ۳، ۱۴۱۴ ق.

4. ارسطو، سیاست، ترجمة حميد عنايت، تهران: علمی - فرهنگي، چ ۴، ۱۳۸۱.
5. البوطي، محمدسعيد، مسألة تحديد النسل وقاية و علاجاً، دمشق: مكتبة الفارابي، ۱۴۰۸ ق.
6. القرى بن عيد، محمدعلي، «مسألة تحديد النسل»، مجلة المجمع الفقه الاسلامي، ش ۵، جزء ۱، ۱۴۰۹ ق.
7. امام خميني، سيدروح الله، صحيفه امام، ج ۳، ۵ و ۱۷، تهران: مؤسسه تنظيم و نشر آثار امام خميني(ره)، ۱۳۷۸.
8. امانی، مهدي، مبانی جمعيت شناسی، تهران: سمت، ۱۳۷۹.
9. نظری به سیاست های جمعیتی در ايران، تهران: انتشارات پيوند، ۱۳۵۵.
10. ايازی، سيدمحمدعلي، اسلام و تنظيم خانواده، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامي، ۱۳۷۶.
11. بهنام، جمشيد، جمعيت شناسی عمومي، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، چ ۲، ۱۳۴۸.
12. تقوی، نعمت الله، جمعيت و تنظيم خانواده، تهران: روان پوياء، ۱۳۷۷.
13. تميمي آمدی، عبدالواحد، غرر الحكم و درر الكلم، قم: دار الكتاب الإسلامی، چ ۲، ۱۴۱۰ ق.
14. جعفری، محمدتقی، رسائل فقهی، ج ۱، تهران: نشر کرامت، ۱۳۷۷.
15. جهان فر، محمد، مبانی جمعيت شناسی، تهران: دهخدا، ۱۳۷۶.
16. حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، قم: چ ۲، ۱۴۰۴ ق.
17. حسینی بهشتی، سيدمحمد، بهداشت و تنظيم خانواده، تهران: بقیه، ۱۳۷۹.
18. حسینی تهرانی، سيدمحمدحسین، رساله نکاحیه؛ کاهش جمعيت ضربه ای سهمگین بر پیکر مسلمین، تهران: انتشارات حکمت، ۱۴۱۵ ق.
19. خامنه ای، سيدعلي، دیدار با مسؤولان نظام، رمضان سال ۱۳۹۱، <http://farsi.khamenei.ir>.
20. بیانات در جمع مردم بنجورد؛ ورزشگاه تختی(خراسان شمالی)، ۱۳۹۱/۷/۱۹، <http://farsi.khamenei.ir>.
21. دیدار با مسؤولان نظام، رمضان سال ۱۳۹۲؛ دیدار با اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگي ۱۳۹۲/۹/۱۹، <http://farsi.khamenei.ir>.

22. ----- ، ابلاغ سیاست های کلی جمعیت، ۱۳۹۳/۲/۳۰، ش ۲۶۴۴۰ <http://farsi.khamenei.ir>.
23. دهخدا، علی اکبر، لغتنامه، تهران: دانشگاه تهران، چ ۲، ۱۳۴۴.
24. راوندی کاشانی، فضل الله بن علی، النوادر، قم: دار الكتاب، بی تا.
25. سبحانی، جعفر، منشور جاوید، اصفهان: کتابخانه امیرالمؤمنین علی، ۷، ۱۳۶۰.
26. شیخی، محمدتقی، جمعیت و تنظیم خانواده، تهران: شرکت سهامی انتشار، ۱۳۷۹.
27. صادقی، مریم، «تنظیم خانواده»، مجله ندای صادق، سال نهم، ش ۳۶، زمستان ۱۳۸۳.
28. صدوق، محمدبن علی، الخصال، ج ۲، قم: جامعه مدرسین، ۱۳۶۲.
29. ----- ، من لا یحضره الفقیه، ج ۳، قم: انتشارات اسلامی، چ ۲، ۱۳۹۳ق.
30. ----- ، الأمالی، قم: انتشارات اسلامی، چ ۶، ۱۳۷۶.
31. طباطبایی، سیدمحمدحسین، تفسیر المیزان، ج ۱۴، قم: بوستان کتاب، چ ۵، ۱۳۸۳ق.
32. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.
33. قانون اصلاح قوانین تنظیم جمعیت و خانواده، روزنامه رسمی، ۱۳۹۳/۴/۱۳، ش ۱۹۹۰۳، سال ۱۳۶۹.
34. قانون تنظیم خانواده، روزنامه رسمی، ۱۳۷۲/۳/۳۰.
35. قرآنی، محسن، تفسیر نور، ج ۳، تهران: مرکز فرهنگی درسهایی از قرآن، ج ۱۱، ۱۳۸۳.
36. کلانتری، صمد، جمعیت و تنظیم خانواده، اصفهان: انتشارات فروغ ولایت، ۱۳۷۸.
37. کلینی، محمدبن یعقوب، کافی، ج ۲، ۵ و ۶، تهران: دار الکتب الإسلامية، چ ۴، ۱۳۸۳ق.
38. متین، عطاءالله و دونلو، ژاله، جمعیت و تنظیم خانواده در جمهوری اسلامی ایران، تهران: نشر فوران، ۱۳۸۳.
39. مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، ج ۲، تهران: مرکز کتاب لترجمة و النشر، ۱۳۸۳ق.
40. مطهری، مرتضی، خاتمیت، تهران: صدرا، ۱۳۴۷.
41. معزی، اسدالله، مبانی جمعیت‌شناسی، تهران: آوای نور، ۱۳۷۱.

42. منتظری، حسینعلی، مجازات‌های اسلامی و حقوق بشر، قم: ارغوان دانش، ۱۴۲۹ق.
43. مولوی، جلال‌الدین، دوره کامل مثنوی معنوی، تهران: طلوع، ۱۳۷۹.
44. مؤمن، محمد، «کنترل جمعیت و تنظیم خانواده»، مجله فقه اهل بیت: سال سوم، ش ۸، و ۹، ۱۳۷۴.
45. هاشمی، سیدمحمدعلی، «بازخوانی قاعده نفی سبیل با رویکرد به اندیشه امام خمینی(ره)»، متین، ش ۵۷، زمستان ۱۳۹۱.
46. -----، نقد و بررسی اندیشه‌های تفسیری معاصر در مسأله مشارکت سیاسی زنان، قم: دانشگاه مفید، ۱۳۹۲.